

به نام خدا

دقیقه در بهشت

داستانی واقعی از مرگ و زندگی

دان پاییز

و

سیسیل مورفی

اکرم مریخ نژاد اصل

"ترجمه این کتاب را به پسر دلبندم بهزاد،

که همواره معنابخش روزهای زندگی‌ام می‌باشد،

تقدیم می‌نمایم."

اکرم مریخ نژاد اصل

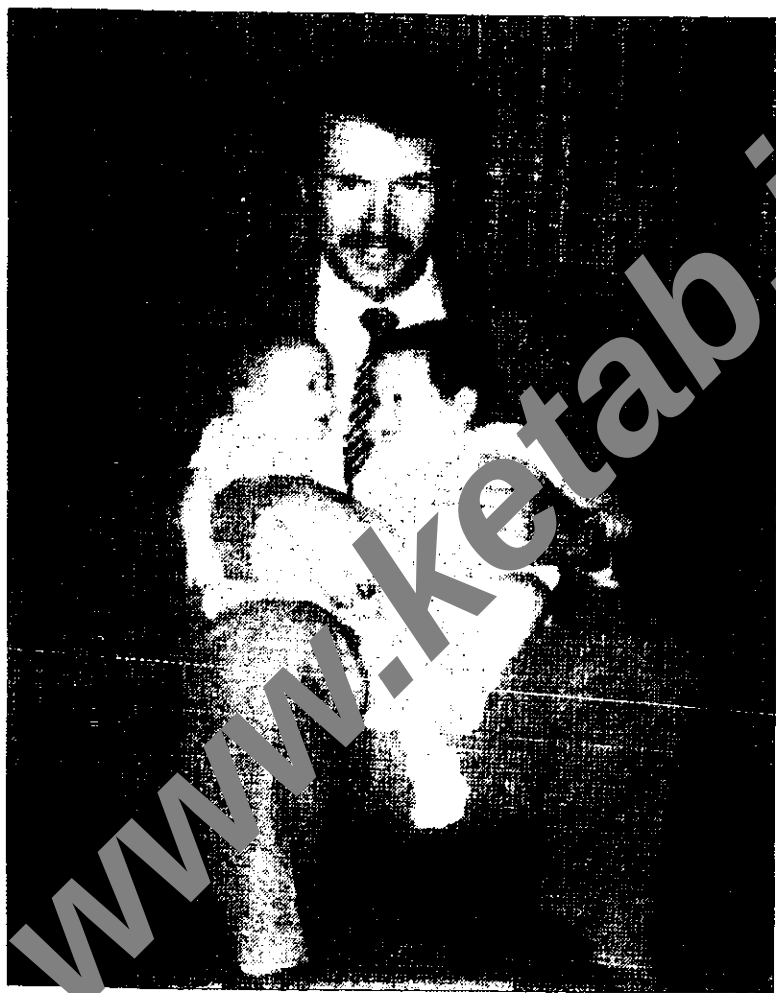
www.ketab.ir

ای عارفان سلحشور....
شما دعا کردید که من این جا هستم!

www.ketab.ir

فهرست

۷	مقدمه.....
۹	پیش‌گفتار.....
۱۱	تصادف.....
۱۹	۲- فرصتی برای من در بهشت.....
۲۹	۳- آواز موسیقی آسمانی.....
۳۷	۴- بازگشت از بهشت به زمین.....
۴۵	۵- تصادف با بیمارستان.....
۵۷	۶- آغاز مساجد.....
۶۷	۷- تصمیم‌های بالشت.....
۷۷	۸- درد و سازش.....
۹۳	۹- سازش بی‌پایان.....
۱۰۵	۱۰- باز هم معجزه.....
۱۱۵	۱۱- بازگشت به خانه.....
۱۳۱	۱۲- شفاف‌سازی.....
۱۴۳	۱۳- دست‌یاری‌دهنده.....
۱۴۷	۱۴- مسیر جدید زندگی.....
۱۷۱	۱۵- لمس کردن زندگی‌ها.....
۱۹۷	۱۶- دستیابی به هدف.....
۲۱۱	۱۷- شور و اشتیاق برای بازگشت به خانه.....
۲۱۷	۱۸- چرا شک و تردید؟!.....



دان و دو پسرش کریس و جری در سال ۱۹۸۲

مقدمه

« وَ لِلّٰهِ فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَا بَيْنَ الْاَرْضِ وَ كُنٰى بِاللّٰهِ وَكِيلًا »
"و برای خداست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و خداوند
برای حمایت کافران است." (سوره مبارکه نساء ۱۳۲)

در ادیان آسمانی "دعا" تعبیری است که موجب نزدیکی به پروردگار
می‌شود و نتیجه آن در وجود آدمی کمالات نفس و ترقی از مرتبه پایین‌تر به
مراتب عالی‌تر است، علاوه بر این "دعا" یکی از اسباب معنوی برای رسیدن به
مراد است که از سوی خداوند وعده اجابت داده شده و تنها در صورتی که
مصلحت نداند دعا اجابت نمی‌شود.

صعود انسان با هدف نزدیک شدن به خداوند هدف غایی آنراش می‌باشد و
حس حضور خداوند انسان را در آزاد شدن از یوغ بندگی‌ها و پاک شدن در قلب او
از بدی و رذایل اخلاقی، رهایی از قیدوبندهای نامناسب، از طریق انجام کارهای
شایسته یاری می‌رساند. خداوند در ذات خود بی‌نیاز و ستوده است و راه
ساختن مقدمات، به منظور حرکت انسان به سوی خداوند برای کسب کمال در
وجود فرد است.

برخی داستان‌ها برای همیشه می‌توانند سبک نگاه ما را به زندگی تغییر
دهند. "دان پایپر" می‌تواند نمونه کاملی باشد برای افرادی که در رنج و درد

اسیر هستند و در مسیر دستیابی به بهبودی سختی‌های عدیده‌ای را پشت سر می‌گذارند و در راه دستیابی به رسالت موجود، در وجودشان برای رسیدن به سعادت دچار بحران‌ها و مصائب شدید زندگی می‌شوند. امیدوارم تمامی رهروان راه حق در پیمودن مسیر به‌سوی خداوند روز به روز بیش‌تر از روز قبل پرشورتر و کوشش‌تر باشند.

از تمام کسانی که در راه نشر و پخش این کتاب زحمت می‌کشند قدردانی و تشکر می‌کنم. به‌خصوص مدیر مسول محترم موسسه پیام بهبودی صدرا آقای جورج بهمانی که امیدوارم در راه فرهنگ‌سازی معنوی همواره پرتلاش و استوار باشد و توفیق الهی یار ایشان باشد.

وَهُوَ الْخَيُّ الْقَيُّومُ

اکرم مریخ نژاداصل

Merikhnejad.asl_akram@yahoo.com

پیش‌گفتار

من در ۸ دی ماه سال ۱۹۸۹ درگذشتم.

از کسانی که مرا چند ساعت بودند، شنیدم که امدادگران اورژانس خیلی زود رسیدند. آن‌ها هیچ تلاشی برای زنده کردن من نداشتند و مرا اعلام کردند. در حالی که به دیگر مجروحان توجه داشتند و زنده می‌کردند، روی مرا با روکش برزنتی پوشاندند تا در حین انجام عملیات، چشمشان به من نیفتد. من به‌طور کامل از حضور امدادگران و افراد دیگر ناگهانی بودم.

به محض مُردن مستقیم وارد عرش الهی شدم. در آسمان بودم که یک عالم دینی به من گفت: «تو بی‌ایمده‌ای. با این که می‌دانست من مرده‌ام، با اشتیاق به پشت سرم خزانه را برای جرم بی‌جان من مشغول دعا خواندن شد.»

با وجود رفتار توهین‌آمیز نیروهای امداد، او دست از دعا کردن برداشت. نود دقیقه پس از زمانی که نیروهای امداد مرا اعلام کردند، من به زنده ماندن خود پاسخ دادم. آن مرد را داد و من به زندگی زمینی خود باز گشتم. و حالا داستان من: